

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی - کابل

۲۴ مارچ ۲۰۲۳

## "دست شکسته، امیل گردن!"

پنجشنبه - ۰۳ حمل ۱۴۰۲ - کابل: احتمالاً شما هم از طریق رسانه ها مطلع شده باشید که در وزارت تحصیلات عالی نظام ملاسالار، در پی درگیری لفظی بین سرپرست وزیر آن وزارت "ندا محمد ندیم" و رئیس عمومی امتحانات "باقی حقانی" که قاعدتاً می باید تابع وزارت تحصیلات عالی باشد مگر در اداره طالب که "آب زور سربالا می رود" دعوای استقلال دارد، برخورد فیزیکی بین خودشان و محافظان شان صورت گرفته که در نتیجه آن دست سرپرست وزیر به اساس لت و کوب محافظان "رئیس" شکسته است.

با تأسف علی رغم کوشش های چند موفق نشدم تا علت درگیری را از جانب سرپرست وزیر و یا طرفدانش نیز بشنوم، در نتیجه از این که در ارائه خبر تنها به گفته های طرف "رئیس" اکتفاء می نمایم نباید چنان تلقی شود که گویا این قلم الفتی نسبت به این و یا آن جناح طالب دارم. آنهایی که با نوشته های این قلم آشنائی دارند می دانند که برای من در مورد تمام جناح های طالب همان ضرب المثل معروف وطن ما که می گوید "سگ زرد برادر شغال است" صدق می نماید. و اما گزارش از قول طرفداران "حقانی":

«ندا محمد "ندیم" سرپرست وزیر تحصیلات که از همان زمان گماشته شدنش بدین مقام از جانب شخص "ملا هیت الله" فقط برای نظام مشکل خلق نموده و در مقایسه با "باقی حقانی" به اساس نگاشته ها و کتابهایی که از وی منتشر شده "رهبر اعتقادی" تمام حرکت "طالبیسم" به شما می رود، کودک ابجد خوانی بیش نیست؛ در جریان روز های اخیر چندین بار از طریق تیلیفون "باقی حقانی" را تحت فشار قرار می داد تا کسانی را که خودش می خواهد بدون شایستگی شامل پوهنتون به خصوص پوهنکی طب نماید. امری که روی ده ها دلیل از جانب "حقانی" رد شد.

وقتی پیشنهادات تیلیفونی "ندیم" رد شد، نامبرده جهت ترساندن و اعمال نفوذ غیر عادلانه با چند تن از محافظانش با پاچه های برزده و رفتار مطلقاً لومینانه به ریاست عمومی امتحانات آمده، خواست تقاضایش را به زور بالای "حقانی" بقبولاند. "حقانی" که بدون آنهم از وی دلخور و ناراحت بود و این که کارهایی را که وی در وزارت تحصیلات عالی انجام داده بود بر آنها خط بطلان کشیده ملغا اعلام نموده بود، از این حرکت گستاخانه "ندیم" عصبانی شده، به محافظانش دستور دفاع داده، تا توانستند محافظان "ملا ندیم" و شخص وی را لت و کوب کرده، بعد از شکستادن دست "ملا ندیم" و صدای گریه و زاری اش وی را از ریاست عمومی امتحانات بیرون افکندند.»

حال که گزارش مختصر این درگیری را خواندید، می بینیم که علت اساسی چنین درگیری هائی در کجاست:

هرگاه اجازه داشته باشیم تا تونلی به تاریخ زده و به اساس قرینه های تاریخی جریان انتخاب "ملا هبت الله" را به مثابه رهبر و امیر طالبان بررسی نمائیم، دیده می شود که این انتخاب از یک بعد با انتخاب "احمدخان ابدالی" به پادشاهی توسط "صابر شاه کابلی" بی شباهت نیست. چه تا جایی که از مطالعه متون تاریخ افغانستان معاصر بر می آید، در کنار سایر دلایل، یک دلیل ضعیف بودن و جوان بودن شخص "احمدخان ابدالی" در مقایسه با رقبای آنروزش بود. رقبای آنروز که همه از لحاظ پشتوانه های قومی و نفوذ شخصی نسبت به "احمدخان" برتر و قویتر بودند، وقتی بین خود جور آمده نتوانستند و هیچ یک بر دیگری اعتماد نتوانست، با انتخاب "احمدخان" کوشیدند حداقل رقبای پر قدرت را از رهبری دور دارند.

این تشابه را در زمان انتخاب "ملا هبت الله" نیز دیده می توانیم. یعنی بعد از آن که "ملا حفیظ منصور" در اثر حمله امریکائی ها کشته شد، اساساً دو کاندید جوان مگر سخت پر قدرت هم از لحاظ قومی و هم از لحاظ نظامی از گزینه های اول انتخاب رهبری به شمار می رفتند. این دو تن "ملا یعقوب" و "خلیفه سراج الدین حقانی" بودند. رقابت سرسختانه بین این دو رقیب، کار را به جایی رسانید که آنها به فیصله رسیدند تا شخص دیگری را که توانائی نظامی نداشته باشد به رهبری انتخاب نمایند. در نتیجه "ملا هبت الله" که تا آن زمان در گوشه مسجد نشسته ضمن ایراد خطابه گاهگاهی به مثابه "قاضی القضاة" طالب فتوا نیز صادر می نمود به حیث رهبر طالب انتخاب شد.

"ملا هبت الله" که خوب می داند چنین چانس هائی را خدا فقط یکبار نصیب بنده گناهکارش می نماید بعد از آن که امپریالیسم امریکا حاکمیت را به طالب سپرد، روز تا روز و بدون کمترین وقفه ای تلاش نموده است، تا از یک جانب با انتخاب قندهار به حیث دارالاماره، عملاً حاکمیت مرکزی کابل را زیر سؤال ببرد و از جانب دیگر با بذل و مصرف پول بی حساب از خزینه دولت برای خودش لشکری از اقوام دور نزدیکش نیز فراهم کند تا بتواند مقابل رقبای زور مند نظامی اش از جمله "ملا یعقوب" که سرپرست وزارت دفاع در نظام ماسالار است و "خلیفه سراج الدین حقانی" که سرپرست وزارت داخله و دارای کندک انتحاری فدائی شخصی در همین نظام می باشد، ایستادگی نماید.

نتیجه اتخاذ چنین سیاستی از جانب "ملا هبت الله" عملاً نظام ماسالار را با سه تضاد کمر شکن روبه رو نموده است:

\*- تضاد با مردم افغانستان در نتیجه سیاست های ضد ملی، زن ستیزانه و نابخردانه امیر؛

\*- تضاد با اکثر کشور های عضو ملل متحد من جمله کشور های اسلامی؛

\*- تشدید تضاد درونی بین جناح های مختلف طالب و نظام ماسالار.

حال از چنین منطری وقتی به درگیری بین "ملا ندیم" و "ملا حقانی" نظر بیندازیم، مشاهده خواهیم نمود که این جنگ و لت و کوب طرفین، هر چند ممکن است به اساس زورگوئی "ملا ندیم" آغاز یافته باشد و واقعاً نامبرده خواسته باشد تعدادی از نورچشمی ها و معتمدان خودش و رهبر ناپیدایش را اولویت درسی بدهد، مگر اصل قضیه از یک سو نفرت شخصی شخص "ملا باقی حقانی" از این "بوت پاک امیر غایب" است و از سوی دیگر اتخاذ سیاست تقابل از جانب رقبای "ملا هبت الله" علیه خودسری ها و زورگوئی های می باشد. زورگوئی هائی که دو رقیب قدرت یعنی "ملا یعقوب" و "خلیفه حقانی" را به یک دیگر نزدیک ساخته و بیش از این نمی خواهند در مقابل "ملا هبت الله" برخورد منفعلانه داشته باشند.

هموطنان گرامی!

نکته مهمی که در این درگیری وجود دارد، چگونگی عکس العمل "ملا هبت الله" و باند نزدیک به وی در قبال این مسأله می باشد. یعنی هرگاه آنها این لت و کوب را به مانند تقرر "ملا بدری" بعد از درگیری آشکارش با شخص "ملا هبت الله" و اخراجش از وزارت مالیه به وسیله وی، به ریاست بانک مرکزی افغانستان یعنی "د افغانستان بانک" از

طرف "مقامات نا پیدا"، با سکوت تحمل نمایند، معلوم است که ائتلاف موقت "ملا یعقوب" و "خلیفه حقانی" به فتح همین یکی دو سنگر بسنده نکرده، تهاجم شان را بر "ملا هبت الله" ادامه خواهند داد.

هرگاه "ملا هبت الله" در خود این نیرو را ببیند که با ائتلاف دو رقیب چه همزمان و چه با فاصله زمانی اندکی برخورد نماید، مسلم است که اوضاع و شرایط به سمت تشدید تضاد درونی بین آنها حرکت نموده، احتمال تصفیه های جسدی نیز در چشمرس قرار می گیرد. مثلاً برخورد با "ملا باقی حقانی" به مثابه ایدئولوک و استاد کل نظام ملاسالار مطمئناً از جانب برخی از صفوف "شبکه حقانی" نیز بی پاسخ نخواهد ماند.

هموطنان گرامی!

تشدید تضاد های درونی بین طالب و حدت یابی آنها تا مرحله آشتی ناپذیری هر چند در دراز مدت در صورتی که نیروهای مخالف طالب بتوانند درست از آن استفاده نمایند، برای مردم مفید تمام می شود، مگر در مقطع کنونی و فعلاً که در بین مخالفان طالب نیروهای انقلابی آگاهی که بتوانند از این تضاد ها حداکثر استفاده به نفع آزادی مردم و بهروزی سطح حیات آنها نماید وجود مؤثر ندارد، فقط تأثیرات منفی حدت این تضاد ها دامنگیر توده های میلیونی ما شده، ضمن حملات انتحاری کور، تشدید خشونت از جانب نیروهای امنیتی تمام جناح ها نیز قربانیان زیادی از مردم خواهد گرفت.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!  
مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل  
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد  
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!